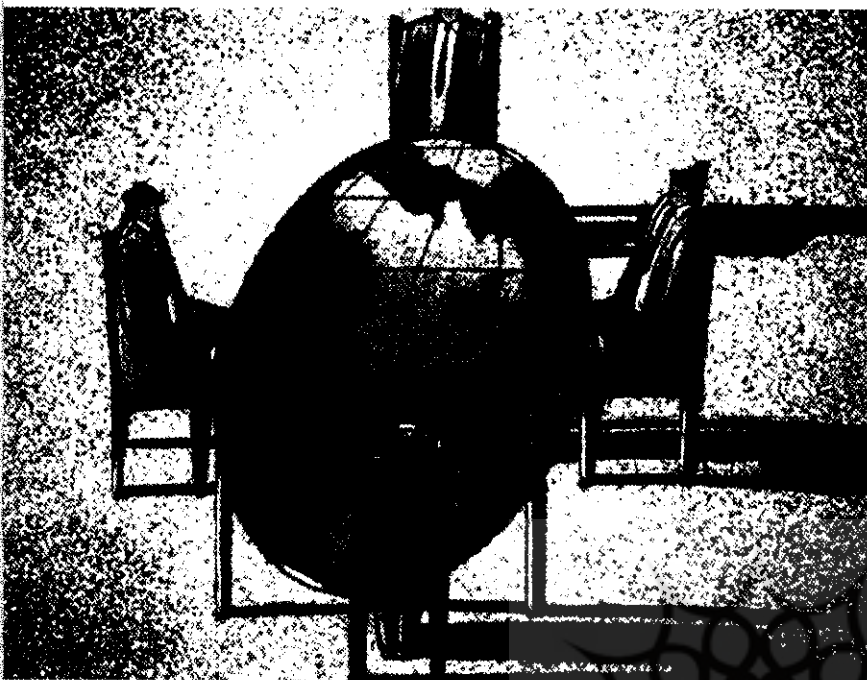


روح قانون حداکثر، واگذاری مسوولیت پروژه‌ها به کارآفرینان ایرانی است



مقدمه:

از تاریخ تصویب قانون حداکثر، ارجاع کارهای خدمات مهندسی مشاور و پیمانکاری، ساختمانی، تأسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی، صرفاً به مؤسسات و شرکت‌های داخلی مجاز است، و در صورت عدم امکان با پیشنهاد دستگاه اجرایی و تصویب شورای اقتصاد، از طریق مشارکت از شرکت‌های ایرانی^۱ خارجی مجاز خواهند بود که حداقل سهم ارزشی کار طرف ایرانی پنجاه و یک درصد (۵۱٪) خواهد بود.

طرف قرارداد موظف است کلیه لوازم و تجهیزات و خدماتی را که در داخل کشور تولید و ارائه می‌شود یا قابلیت تولید و ارائه دارد مورد استفاده قرار دهد. در هر حال حداقل ۵۱ درصد از ارزش کار، باید در داخل انجام پذیرد و کارفرما مکلف است بر این امر نظارت کند؛ موارد استثنا پس از تایید سازمان

برنامه و بودجه باید به تصویب شورای اقتصاد برسد. لذا مقتضی است کلیه دستگاه‌های ذکر شده در این ماده نسبت به اجرای تکالیفی که در قانون به آنها تصریح شده است اهتمام لازم را می‌دول دارند.

در این زمینه میزگردی با حضور آقایان مهندس جواد، رئیس هیأت مدیره شرکت PIDEC، مهندس خسروی زاده عضو هیأت مدیره انجمن اقتصاد انرژی، مهندس وقایع‌نگار مدیرعامل شرکت چگالش، مهندس اردشیریان مدیرعامل شرکت ناموران و سید مجتبی حسینی یزدی، عضو هیئت مدیره شرکت مهندسی فن گسترپارس در رابطه با قانون حداکثر و مهندس مرادخانی، معاون بخش اجرای کار دفتر امور مشاوران سازمان برنامه و بودجه انجام دادیم که بخش اول آن در شماره گذشته و اینک ادامه آن از نظر تان می‌گذرد.

اقتصاد انرژی:

در مباحث گذشته گفته شد صد سال است کشور دارای صنعت نفت می‌باشد و تاکنون هزاران حلقه چاه حفر شده مقادیر زیادی تأسیسات سرچاهی، لوله‌کشی و واحدهای بهره‌برداری احداث گردیده و دهها میلیارد دلار برای آن هزینه شده است اما هنوز هم برای اجرای کارها به خارجیها مراجعه می‌شود. همزمان با پیدا شدن نفت، گاز همراه هم تولید می‌شده لذا

با صنایع فشرده‌سازی و جابجایی و تصفیه و گوگردزایی آن بمیزان محدودی آشنایی بوجود آمده است. علاوه بر این متجاوز از ۴۰ سال است که صنعت مستقل گاز در کشور بوجود آمده دهها میدان مستقل گازی کشف و توسعه داده شده و به بهره‌برداری رسیده‌اند. از دهه ۴۰ صنایع پتروشیمی به فعالیت‌های دیگر صنایع نفت اضافه شده و بیش از ۹ واحد آمونیاک و دهها واحد کودهای شیمیایی و دیگر واحدهای مرتبط با صنایع پتروشیمی

ساخته شده مورد بهره برداری قرار گرفته اند. بطوری که گفته شد در طول حدود صد سال عمر صنایع نفت هزاران طرح و پروژه در عملیات بالادستی و پائین دستی و دیگر رشته های وابسته از قبیل پالایش و پتروشیمی و گاز اجرا شده که همواره توسط شرکت های خارجی به اجرا درآمده است اما هنوز هم برای اجرای طرح هایی که چندین طرح مشابه آن قبلاً اجرا شده به شرکت های خارجی مراجعه می شود. به برکت پولی که برای اجرای این طرح ها هزینه شده صدها هزار فرصت شغلی در خارج ایجاد گردیده و برای آنها شکوفائی اقتصادی و ثروت بوجود آورده است که اگر از بدو امر بخشی از آن در کشور هزینه می شد اکنون ایران به کشوری صنعتی تبدیل شده، فرصت های شغلی فراوانی بوجود آمده بود.

در سال ۱۹۵۱ که صنعت نفت در ایران ملی شد در آن همه نوع سخت افزارها و نرم افزارهای کارآمد وجود داشت درحالیکه در کشوری مانند ایتالیا هیچ کدام از این موارد نبود. در آن زمان شرکت کوچکی با کمترین امکانات به نام انی Eni تأسیس گردید. هم اکنون این شرکت به جدی بزرگ شده است که شرکت های زیرمجموعه آن در اکثر نقاط جهان انواع پروژه های نفتی و گازی و پتروشیمی و دیگر صنایع را اجرا می کند و ایران هنوز اندر خم یک کوچه است.

در دهه ۱۳۵۰ نیروی ها موفق به کشف نفت و گاز در دریای شمال شدند و چون با آن صنعت آشنایی نداشتند تعدادی از افراد آنها برای کارآموزی به ایران آمدند. اکنون آنها در این صنعت قطبی شده اند و در تمام زمینه ها کار می کنند. در همان زمان عده ای هم که از کره به ایران آمده بودند، آرزو می کردند که زمانی پایتخت آنها مثل تهران باشد و صنایع آنها مثل صنایع ایران شود اما اکنون آنها کجا و ایران کجا؟ با کمال تأسف در تمام جاها با بی تفاوتی به مسأله نگاه شده با وجود آنکه دهها میلیارد دلار در این صنعت سرمایه گذاری گردیده هنوز هم وقتی تصمیم گرفته می شود کاری انجام شود از خارجی ها کمک گرفته می شود.

البته ساخت تجهیزات و کالا و نیز احداث و نصب پروژه از اهمیت والایی برخوردار است اما آنچه در اینجا اهمیت ویژه دارد کارهای مهندسی است. اگر آهن گذاخته را با چکش دراز کنند میل می شود و اگر پهن کنند بیل می شود اما این که آهن با چه درجه حرارتی باید از کوره خارج شود تا با حداقل ضایعات آن حالت ها را به خود بگیرد یک کار مهندسی است بنابراین اگر مهندسی رشد کند بقیه زیرساخت ها به تبع آن رشد خواهند نمود. فعالیت های مونتاژی زیادی در کشور انجام شده و کارهای ساخت و ساز فراوانی بعمل آمده ولی در غیاب مهندسی در هر حرکتی که انجام میشد با پیش آمد کوچکی مجدداً با بازگشت به عقب همراه می گردیده است.

در دوران انقلاب و پس از آن شرکت های خارجی رفتند و فرصتی پیش آمد تا شرکت های مهندسی توانستند خودشان را نشان دهند. جنگ هم فرصت دیگری را برای بروز توانایی ها و قابلیت ها به وجود آورد و در نتیجه مسئولین را در جهت بهره گیری از آن مصمم کرد و به تبع آن قانون حداکثر استفاده از توان داخلی تدوین و تصویب شد. اما با وجود آن که چندین سال از عمر این قانون می گذرد کسانی هستند که مصاحبه می کنند و می گویند ما برای چه منابع نفتی را به دست ایرانی ها بدهیم که خرابش کنند. یا دیگری در مصاحبه می گویند این قانون حداکثر

ما را فلج کرده است و کلی تلاش کردیم تا سازمان مدیریت و برنامه ریزی طرحی را به مجلس ببرد تا قانون در جهت ارجاع کار به خارج تعدیل شود و دستمان باز گردد زیرا با این قانون نمی توان صنعت را اداره کرد. به هر حال هنوز کسانی در بین مسئولین وجود دارند که به این مسئله عنایت ندارند که گسترش صنعت در کشور علاوه بر اینکه از خروج بخش عظیمی از ثروت مملکت جلوگیری می کند، صدها هزار شغل دائم هم به وجود می آورد.

بهرحال با این مقدمه از آقای مهندس حسینی که مجتهد مسائل قانون حداکثر هستند تقاضا می شود که ابتدا راجع به قانون حداکثر توضیحات بیشتری دهند و دو سؤال هم که در رابطه با قانون حداکثر مطرح است را پاسخ گویند. اول اینکه آیا این قانون شامل قراردادهای بیع متقابل هم می شود و دوم اینکه یک شرکت ایرانی اگر در مناقصه ای برنده شود آیا می تواند خرید کالا و بخشی از کارهای مهندسی را از خارج تأمین کند؟

مهندس حسینی:

در رابطه با قانون حداکثر خدمتتان توضیح بدهم که باید اول ببینیم این قانون برای تحقق چه هدفی تصویب شد. و این قانون در درون خود اهداف خودش را کاملاً مشخص کرده است یا نه؟ در صدر ماده یک این قانون آمده استفاده هر چه بیشتر از توان فنی مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور، بنابراین در رأس ماده یک، منظور از قانون بیان شده است. دنباله آن درباره مجریان این قانون بحث کرده است. قانون می گوید مجریان این قانون کلیه دستگاه های اجرایی هستند اعم از اینکه از قوانین عام تبعیت کنند یا قانون خاص داشته باشند. نکته جالب در اینجا صراحت این ماده قانونی است یعنی این قانون مشمول آنهایی که قانون خاص هم دارند، مثل نفت، گاز، پتروشیمی، صدا و سیما و غیره نیز می شود.

مثلاً فرض کنید وزارت راه مشمول قوانین عام کشوری است ولی صدا و سیما مشمول قوانین خاص است این قانون بر هر دو آنها مترتب است. علاوه بر آن هر سازمانی که از بودجه عمرانی یا از منابع داخلی خودش هم استفاده می کند باز هم باید مطابق این قانون کارهای اجرایی پروژه های خود را به شرکت ها و موسسات ایرانی ارجاع نماید یعنی نمی تواند بگوید من که پول از بودجه عمومی نمی گیرم و از درآمد خودم است، مثلاً من شهرداری ام و درآمد از خودم است، مثلاً من شهرداری ام و درآمد از خودم و از منابع داخلی است. من مخابراتم منابع ام از خودم است، قانون می گوید حتی اگر پول خودت هم است باز هم این قانون شامل تو نیز هست، بعد گفته حتی اگر شما از وام ارزی یا ریالی هم استفاده کنید. مثلاً سازمانی می گوید این پول نه از خودم است نه از دولت، من قرض گرفتم اما طبق این قانون اگر چه ارزی و چه ریالی قرض هم بگیرید باز هم مشمول این قانون هستید. اگر سازمانی بگوید من مشمول ذکر نام باز هم این قانون شامل آن می شود. به عبارت دیگر راه ها را برای همه بسته است. تنها این قانون مشمول بخش خصوصی که پول جیب خودش را بخواهد خرج کند نیست. غیر از آن هیچ استثنایی برای هیچ کس قائل نشده است این را باید خوب دقت کنید. حتی شهرداری ها، بانک ها، تأمین اجتماعی، حتی بنیاد مستضعفان، حتی بنیاد شهید همه ارگان ها مشمول این قانون هستند.

مهندس اردشیریان:

بعضی از سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی مثل برخی از مجتمع‌های پتروشیمی می‌گویند که ما خصوصی هستیم و از منابع درآمدی خودمان خرج می‌کنیم. در اینجا تکلیف مثلاً پتروشیمی خارک که می‌گوید من خصوصی‌ام چه می‌شود؟ اصولاً تعریف شما از بخش خصوصی چیست که این قانون شامل آنان نمی‌شود؟

مهندس حسینی:

شرکت خصوصی که فقط و فقط پول خودش را استفاده می‌کند مشمول این قانون نیست ولی اگر بخواهد از تسهیلات و از منابع مالی استفاده کند باز هم مشمول این قانون است.

جنابعالی به عنوان مدیرعامل یک شرکت مهندسی خصوصی تصمیم گرفتید که پروژه‌ای را با پول خودتان هزینه و اجرا کنید و یک ریال هم از هیچ‌کس نگیرید و تنها از منابع شخصی خودتان استفاده کنید، آنگاه این قانون مشمول شما نمی‌شود.

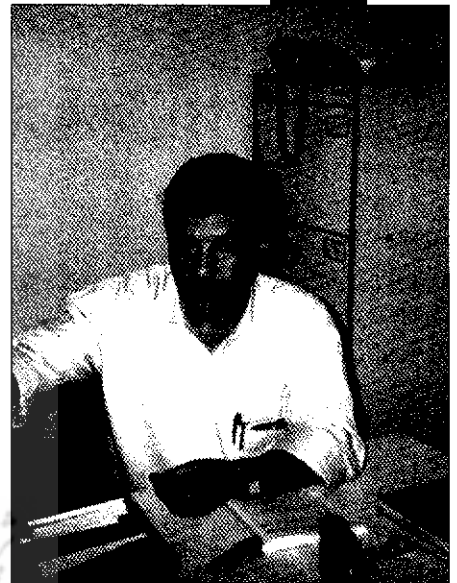
مهندس اردشیریان:

یک مثال می‌زنم، اگر پتروشیمی خارک بگوید که من متانول صادر می‌کنم پولش هم مال خودم است از هیچ‌کس و هیچ تسهیلات مالی استفاده نخواهم کرد پس می‌تواند هر کاری که دلش می‌خواهد بکند و به قانون هم توجه نکند؟

مهندس حسینی:

اگر پتروشیمی خارک به عنوان بخش خصوصی تلقی شود این قانون مشمول آن نمی‌شود یعنی این قانون نمی‌تواند به یک سرمایه‌گذار خصوصی تکلیف کند که پولش را چگونه خرج کند. اما دولت همه وکلان کشور را می‌بیند. تنها به مسائل اقتصادی توجه ندارد بلکه به مسائل امنیتی، آسیب‌های اجتماعی، اشتغال‌زایی و غیره نیز توجه دارد که همگی

از جمله وظایف دولت است در سرمایه‌گذاری‌های دولتی و عمومی، منابع کشور مطرح است ولی در سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی، منافع بخش خصوصی مطرح می‌باشد، ممکن است دولت در یک سرمایه‌گذاری صنعتی به لحاظ اقتصادی زیان نماید، لیکن به لحاظ رفع بی‌کاری، امنیتی،... منافع کشور را حفظ نماید، مثلاً وقتی دولت تصمیم گرفت که پتروشیمی کرمانشاه را بزند ما در برنامه و بودجه گزارش مستدل تهیه کردیم و فرستادیم که مناسبترین مکان اقتصادی برای سرمایه‌گذاری جهت تولید LAB با توجه به تامین خوراک و بازار مصرف، کرمانشاه نیست، اما در هیأت دولت تصمیم گرفته و تصویب کردند که به دلایل مسائل منطقه‌ای و زمینه اشتغال ما می‌خواهیم یک طرح پتروشیمی در کرمانشاه اجرا کنیم، با توجه به این موضوع بروید و بگویید که عملی‌ترین طرحی که امکان اجرای آن است کدام است. ما بررسی کردیم و با توجه به اینکه گاز در منطقه وجود دارد و از آنجا که خط لوله و نفت



خام به کردستان می‌رود و به عبارت دیگر دو ماده اولیه و دو خوراک لازم مهیا است، اجرای پروژه‌های اوره آمونیاک و LAB را پیشنهاد دادیم چون برای دولت یک مجموعه مسائل مطرح است و علاوه بر اقتصاد مسائل دیگری برایش اولویت دارد که حاضر می‌شود، تاوان آن اولویت‌ها را در قالب اجرای این پروژه‌ها بدهد. در این قانون هم، کشور تصمیم گرفته است برای افزایش توان فنی، مهندسی کشور و آماده شدن برای حضور در بازارهای جهانی جهت صدور خدمات، این هزینه را پردازد که کار اجرای پروژه‌های بخش‌های دولتی و عمومی به شرکت‌ها و موسسات ایرانی ارجاع شود، لیکن این تکلیف را نمی‌توان به بخش خصوصی منتقل نمود. بند یک قانون می‌گوید که سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت، موضوع قانون ۴ محاسبات، بانک‌ها و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، موضوع ماده ۵ قانون محاسبات، مؤسسات عمومی یا عام‌المنفعه بنیادها، نهادهای انقلاب اسلامی و همچنین تمامی سازمان‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات، دستگاه‌ها و واحدهایی که شمول قانونی بر آنها مستلزم ذکر نام است از قبیل شرکت نفت و غیره اعم از اینکه قانون خاص خود را داشته باشند یا از قوانین عام تبعیت کنند و شرکت‌های تابع و وابسته به آنها موظفند در اجرای کارهایشان طبق این قانون عمل کنند؛ توجه داشته باشید که این قانون می‌گوید کلیه شرکت‌ها اعم از اینکه از بودجه عمومی دولت یا از درآمدهای خود یا از اعتبارات و تسهیلات ارزی و ریالی دستگاه‌های مزبور استفاده کنند موظفند طبق این قانون عمل کنند. و اما در مورد قراردادهای بیع متقابل که سؤال شد، خاطریم هست که در امور حقوقی ریاست جمهوری در این رابطه بحثی پیش آمد که چگونه بیع متقابل می‌تواند مشمول این قانون باشد در حالی که با یک سری از قوانین دیگر بین‌المللی در تضاد نباشد. چراکه در برخی از قراردادهای بیع متقابل ما ملزم به رعایت قوانین بین‌المللی هستیم. لذا در رابطه با این تضاد تفسیری صورت گرفت که در حال حاضر آن تفسیر خاطریم نیست اما به هر حال در این مورد فکر و بررسی‌هایی شد.

دومین هدف در این قانون که در رأس ماده ۲ گفته شده است، عبارت از تقویت توان فنی و اجرایی کشور، در اجرای کارهای بزرگ و استفاده حداکثر از توان داخلی است.

با توجه به مطالب اشاره شده ملاحظه می‌کنید که قانونگذار اهدافش را در رابطه با این قانون دقیقاً بیان کرده است. ببینید در این قانون دو کلمه کلیدی ارجاع کار و انجام کار وجود دارد. ارجاع کار یک وظیفه کارفرمایی است. کار را چه کسی ارجاع می‌کند؟ کارفرما. کارفرما موظف است کار را به ایرانی ارجاع کند و این قانون می‌خواهد بگوید بازار کار اجرای پروژه‌های این کشور در وهله اول مختص ایرانی‌هاست و اگر خارجی‌ها بخواهند وارد این بازار شوند این تصمیم یک امر حکومتی می‌شود و دیگر در حد وزیر و معاون رئیس‌جمهور و رئیس‌جمهوری نیست بلکه یک نهاد حکومتی در حد شورای اقتصاد باید راجع به آن تصمیم بگیرد. بنابراین اگر کار را بخواهند به مشارکت ایرانی - خارجی و یا خارجی بدهند باید این یک نهاد حکومتی تصمیم بگیرد.

بحث دوم، بحث انجام کار است. انجام کار، وظیفه چه کسی است؟ وظیفه پیمانکار. طبق تبصره‌های ذیل ماده سوم این قانون، کسی که طرف

قرارداد می شود از دو حالت خارج نیست یا ایرانی است یا مشارکت ایرانی - خارجی. به هر حال طرف قرارداد موظف است که کل امکانات مملکت را به کار ببرد و همچنین موظف است که حداقل ۵۱ درصد از کار را در داخل کشور انجام دهد اگر پروژه خاصی بود که اجرای آن در داخل کشور میسر نبود و بخواهند کار را به خارج از کشور ببرند یعنی به عبارت دیگر اگر بخواهند خارجی را وارد بازار کار مملکت بکنند، باز می شود یک امر حکومتی و باز باید شورای اقتصاد تصمیم بگیرد. اهمیت و سنگینی قضیه همین است.

همان طور که قبلاً گفته شد این قانون به صورت لایحه از سوی دولت به مجلس نرفته است بلکه به صورت طرح در مجلس به تصویب رسیده است. روی این اصل در درون دولت و دستگاه های اجرایی متولی نداشته است که به دنبال آن قانون بوده و سایر مجموعه دولت به دنبال آن بروند. در این فضا دستگاه های اجرایی که بخواهند در برابر این قانون واکنش منفی نشان بدهند دنبال خیلی چیزها می گردند که بتوانند از آنها استفاده کنند. به عنوان مثال در عنوان این قانون گفته است که این قانون برای پروژه هاست. اینجا بحثی پیش آمد که باید پروژه تعریف شود که پروژه چیست. فقط در محدوده نفت و گاز و پتروشیمی فکر نکنید. مملکتی فکر کنید. آیا به عنوان مثال خرید کشتی، پروژه هست یا نیست. در این باره یک دستورالعمل و آیین نامه اجرایی برای ماده ۳ این قانون نوشتیم و در آن پروژه را تعریف کردیم. طبق تعریف این آیین نامه پروژه عبارت است از: مجموعه فعالیت های هدف دار مهندسی، تدارکات، اجرا و راه اندازی که منجر به احداث یک واحد جدید، توسعه و اصلاح یک واحد موجود برای افزایش ظرفیت و یا اصلاح و بهبود کیفیت محصول، افزایش تجهیزات و امکانات با هدف خدمات رسانی بیشتر، اصلاح واحد یا سیستم های موجود به لحاظ بهینه سازی مصرف انرژی و زیست محیطی شود. بنابراین پروژه چنان جامع تعریف شده است که کسی نمی تواند از زیر قانون در برود.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد عنوان قانون است، عنوان قانون عبارت است از: حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی، تولیدی، صنعتی، اجرایی کشور در اجرای پروژه ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات است. عنوان این قانون بسیار درست انتخاب شده است.

یعنی قرار است کارها اول به ایرانی ها داده شود تا در داخل کشور کار را انجام دهند، بیاموزند، مسلط بشوند تا بتوانند سپس در خارج از کشور کار انجام دهند. چگونه یک شرکت ایرانی می تواند از یک کشور خارجی تقاضای کار کند در حالیکه در کشور خودش به او اعتماد ندارند و از کشورهای دیگر می آیند و پروژه های آنها را انجام می دهند.

من می خواهم به نکته ای اشاره کنم. اصولاً برای اینکه کشوری بتواند در بازارهای کشورهای دیگر حضور پیدا کند علاوه بر تعریف باید یارانه نیز بدهد. ما در مواد ۱۱۳ و ۱۱۶ قانون برنامه سوم یارانه تشویق صادراتی خاص خدمات فنی مهندسی در نظر گرفته ایم. یکی از پیشنهادها این است که دولت این یارانه را به همین شرکت های داخلی برای کار در داخل بدهد تا موفق شوند و بعد بروند از خارج از کشور کار بگیرند.

حتی در بند "ج" ماده ۱۱۶ قانون برنامه سوم آورده شده است که دولت برای حضور فعال شرکت ها و مؤسسات فنی

مهندسی اعم از مشاور و پیمانکار ایرانی در بازار جهانی و صادرات خدمات فنی مهندسی تسهیلات زیر را فراهم کرده و بر اجرای مستمر و احسن آن نظارت می کند. این تسهیلات عبارتند از: فراهم کردن زمینه صدور ضمانت نامه بانکی با حداقل سپرده گذاری، ارائه خدمات بیمه ای و بانکی با حداقل هزینه ها و کارمزد، پیش بینی و تأمین سهمیه خاص در سهمیه بندی اعتبارات اعطایی نظام بانکی، پیش بینی اعتبار در بودجه سالیانه کشور جهت مشارکت دولت در تأمین مالی این گونه اعتبارات صادراتی.

پیشنهاد ما این است که به جای اینکه این امکانات و تسهیلات را برای کار در خارج از کشور در نظر بگیرید، برای کار در داخل کشور هم در نظر بگیرید. به عبارت دیگر چراغی که به این خانه رواست چراغی که در آنجا می خواهید بکنید.

به عنوان مثال یکی از بندها برای ایجاد تسهیلات جهت صدور خدمات فنی، مهندسی، فراهم کردن زمینه صدور و عرضه اوراق مشارکت توسط شرکت های صادرکننده خدمات فنی مهندسی با عنوان یکی از منابع تأمین مالی طرح های اخذ شده توسط آنها است. یعنی حتی به آنها اجازه بدهند که اوراق مشارکت توزیع کنند و دولت این اوراق را تضمین کند. از سوی دیگر یک متولی و تشکیلات مشخص برای پیگیری این گونه موارد وجود ندارد. نکته دیگری که به آن اشاره می کنم که در واقع به نوعی به سوال شما هم پاسخ داده باشم این است که اگر برای پروژه ای امکان ساخت در داخل کشور وجود نداشته باشد با تصویب شورای اقتصاد و ۱۰۰ درصد تأمین از خارج میسر است. به عنوان مثال انجام پروژه پلی کربنات ها مطرح شد. قبل از پلی کربنات تولید فسرژن است. یک شرکت خارجی که مجوز ساخت فسرژن را دارد عنوان کرد که آن را به صورت یک واحد در بسته می فروشد که فقط یک ورودی و یک خروجی دارد. موضوع در شورای اقتصاد مطرح و تصویب شد که به صورت در بسته از خارج از کشور خریداری شود. تبصره ۲ ذیل ماده ۳ قانون می گوید اگر انجام کار، در داخل مملکت میسر نبود خرید آن از خارج با تصویب شورای اقتصاد بلامانع است. نکته مهم این است که این قانون، قانون ساخت داخل نیست. این قانون، قانون ارجاع کار به ایرانی است و ساخت داخلی شدن مساله ثانوی این قانون است و به عبارت دیگر شرط لازم ارجاع کار به ایرانی است و شرط کافی انجام کار در داخل کشور است. وظیفه پیمانکار و طرف قرارداد آن است که مسئولیت انجام کار و مدیریت انجام فعالیت های را که منجر به اجرای پروژه می شود را بپذیرد و بتواند صحت عملکرد و اثبات ظرفیت پروژه را تضمین کند و این به معنای این نیست که پیمانکار خودش الزاماً باید کارگاه ساخت داشته باشد.

پروژه یک، تک ماشین نیست بلکه یک مجموعه ماشین آلات و تجهیزات است و پیمانکار این توانایی و دانایی را دارد که این مجموعه ماشین آلات و تجهیزات را از دورترین نقاط دنیا جمع کند و منجر به یک پروژه و به یک خط تولید تبدیل کند، که این خط تولید آن محصول خواسته سرمایه گذار را تولید کند و این پیمانکار صحت عملکرد این خط و ظرفیت این خط را گارانتی کند. این نوشته عیناً در متن این قانون وجود دارد که می گوید، پیمانکار طراحی و ساخت به شرکت یا

بند «ج» ماده دو این قانون گفته است، کارفرما می تواند کار را به پیمانکارهای ایرانی بدهد حتی اگر قیمت آنها تا ۲۰ درصد بیشتر از شرکت های خارجی باشد. اما برای این که این مسئله ضابطه مند بشود و به آن عمل کنند پیگیری لازم دارد. به نظر من شما که ذی نفع هستید بایستی یک ارگان پیگیری درست کنید که این قانون وجود دارد و ما پیمانکاران ایرانی می خواهیم از این قانون برخوردار شویم. پیگیری های قانونی هم در این مملکت در کوتاه مدت ممکن است جواب ندهد اما بالاخره جواب می دهد.

مهندس اردشیریان:

شکی نیست که افرادی که قانون را تصویب کردند اهداف والایی داشتند و هدف آنها توسعه نیروی انسانی نه در حال بلکه برای آینده مملکت بوده است کما اینکه مسیری که این قانون طی می کند طبق مقدمه این قانون به گونه ای خواهد بود که ایرانی ها بتوانند وارد عرصه بین المللی بشوند و در عرصه بین المللی برای مملکت خودشان پولساز شوند یعنی هم هدف توسعه نیروی انسانی و هم هدف اقتصادی داشتند. ولی اگر به مرور زمان اوضاع مملکت ما به گونه ای پیش برود که اجرای این قانون اصولاً اقتصاد پروژه ها را زیر سؤال ببرد بالطبع خود این قانون زیر سؤال می رود به عنوان مثال، تا وقتی که ما با قانون دیگری جلوی dumping را در مملکت خودمان نگیریم هر کاری بکنیم می گویند این قانون، قانون غیراقتصادی است. به طور مثال اگر من پروژه ای برای ساخت پیراهن در مملکت دارم حاصل کار پیراهن سازی من این می شود که پیراهنی که می سازم در مقابل پیراهنی که از خارج وارد کشورمان می شود گران درمی آید پس می گویند یک خط باطل روی این قانون بکشید چون این قانون ریشه اقتصادی درستی را برای مملکت پیاده نمی کند. به عقیده من صرف چسبیدن تنها به این قانون به مرور زمان کافی نیست. اگر ما در کنار این قانون، قانون ضد ارزان فروشی خارجی ها را نداریم خود این قانون کم رنگ می شود. کم رنگ شدن توجیهاتی را برای یک عده به وجود می آورد که اصلاً نمی تواند از آن دفاع کند. کما اینکه طرف دیگر می گوید اگر این جنس را از خارج بخرم ارزانتر تمام می شود تا از ایران بخرم یا اگر این پروژه را بدهم شرکت خارجی انجام دهد ارزانتر از آن خواهد شد که در ایران توسط ارجاع و انجام به ایرانی ها بدهم. ما نمی توانیم اینها را نادیده بگیریم و ما به اصلاح زیرساخت هایی نیاز داریم که حامی این قانون باشد.

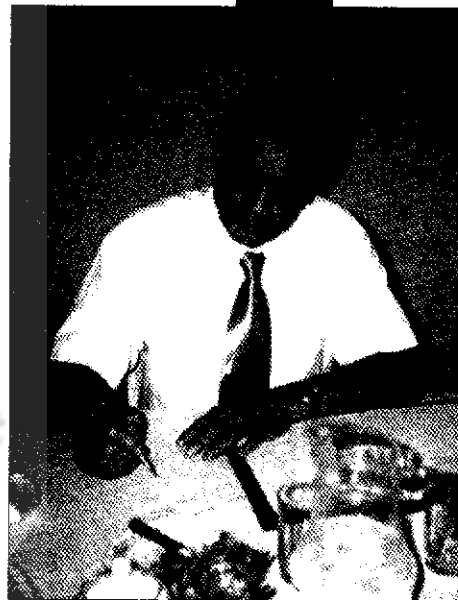
مهندس حسینی:

ببینید، خواهش من این است که همه این مطالب را با راهکارهای آن تهیه کنید و به مسئولین دولتی در سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، و یا هر جای دیگری که لازم است ارائه دهید. کلام شما درست است. در تمام دنیا یک نظام تعرفه ای می گذارند و می گویند چون شرکت داخلی ضعیف تر از شرکت خارجی است و برای اینکه بتواند یا رقیب خارجی هم سنگ شود با یک عامل نظام تعرفه ای آن دو را با هم، هم سنگ می کنند. به طور مثال به فولادساز داخلی می گویند در داخل بساز و به خارجی هم می گویند اگر فولادت را خواستی بیاوری ۲۰ درصد گمرکی گرفته می شود. این ۲۰ درصد برای این است که شرکت خارجی را هم سنگ شرکت داخلی کنند تا بتواند از لحاظ اقتصادی رقابت کند. ولی دیگر نمی آیند به طور مثال بگویند که فولاد اصلاً وارد نشود. اگر شرکت داخلی

مؤسسه ای اطلاق می شود که مسئولیت انجام خدمات طراحی تفصیلی و اجرایی، طراحی مهندسی و یا مهندسی فرآیند، تهیه و تأمین کالا و تجهیزات، عملیات اجرایی و نصب و راه اندازی و مدیریت انجام این فعالیت ها در یک پروژه را به عهده دارد. این متن صریح قانون است. در اینجا وقتی می گویم پیمانکار کسی است که مسئولیت دارد خط را سامان دهد و برود از هر کجا که می خواهد انتخاب کند به طوری که مجموعه را که دور هم بپیچند از داخلش یک خط تولید در بیاورد برخی می گویند این دلال است. و به عبارت دیگر معنی این توانمندی را در حکم دلالی می بینند. این طرز تلقی یکی از بزرگترین مشکلات ما در این مملکت است که روی آن کار نشده است. اکنون این سوال مطرح می شود که این قانون اصلاً چرا به درستی اجرایی می شود؟ به نظر بنده علت آن اینست که عمل به این قانون و راهکارهای اجرایی آن در باور همگانی کلیه مسئولان کشور وجود ندارد. یعنی خیلی ها هستند که باور ندارند این کار را بکنند. اگر مدیری این باور را داشته باشد که این قانون را اجرا کند باید از ابتدا یک جورکشی را بپذیرد و خیلی ها دلیلی نمی بینند که این جورکشی را برای خودشان بپذیرند. از سویی دیگر بخش عمده ای از مسئولین که مکلف به این قانون هستند اصلاً از این قانون آگاهی نداشته یا اشرافی به این قانون ندارند. در این باره در اثر مذاکراتی که با سازمان مدیریت و برنامه ریزی داشته ایم قرار بر آن شده است که یک کارگاه آموزشی برای دستگاه های اجرایی مختلف گذاشته شود. به نظر بنده بسترهای اجرایی این قانون که عمده ترین آنها نظام بانکی کشور، سیستم های تأمین منابع مالی، فاینانس، بیع متقابل، مقررات OECD، سیستم های تأمین پوشش بیمه ای کشور، سیستم تأمین نقدینگی، قانون کار، به کارگیری کارشناسان خارجی متناسب با اجرای این قانون هستند، هنوز فراهم نشده است.

کما اینکه مصوبه اخیر شورای اقتصاد، مجموعه بانک مرکزی و چند جای دیگر را مکلف کرده است که بروند یک طرح بیاورند که چگونه منابع مالی غیرمشروط تأمین کنیم تا زمینه اجرای قانون فراهم شود. مطلب دیگر ایجاد شرایط محیطی و هم سنگ سازی مؤسسات ایرانی با شرایط محیطی شرکت های خارجی است. در حال حاضر اینها با هم، هم سنگ نیستند. روی این اصل ایرانی ها نمی توانند در یک شرایط غیرهم سنگ با آنها رقابت کنند. به طور مثال، ۵ و یا ۶ سال پیش، ساخت اسکلت فلزی در ایران مقرون به صرفه بود اما امروزه وجود تورم و ثابت بودن نرخ ارز، اسکلت فلزی وارداتی را مقرون به صرفه نموده است و این تقصیر پیمانکار ایرانی نیست. در این شرایط غیر هم سنگ چطور می تواند با رقبای خارجی خود رقابت کند.

خوشبختانه دولت به این هم سنگ شدن توجه کرده است و در این باره قانون نوسازی و بازسازی صنایع وجود دارد. در



قرار باشد با ۲۰ درصد تعرفه هم نتواند نسبت به شرکت خارجی رقابت کند باید برود و خودش را اصلاح کند. این قانون عام مملکت می شود. در بند «ج» ماده ۲ قانون بازسازی و نوسازی صنایع آمده است و این هم سنگی را تا ۲۰ درصد به وجود آورده است منتهی یک بحث کلی وجود دارد و آن این است که علی رغم وجود این قانون ها گروهی نیستند که روی اینها یک کار تطبیقی، کار تلفیقی، کار اجرایی یا حتی یک راهکار عملی بنویسند و اینها به گردش بیفتند حتی من می خواهم به جرأت بگویم که خیلی از دستگاه های اجرایی واقعاً نمی دانند چگونه باید این قانون را اجرا کنند. من اعتقاد دارم وقتی که یک قانون نوشته می شود، بعد از آن آیین نامه و پس از آیین نامه باید دستورالعمل مربوطه و گردش کار مربوطه نوشته شود و سپس برای تمام کسانی که درگیر این قانون هستند کلاس آموزشی بگذارند سپس با یک بازرسی و نظارت ادواری چگونگی اجرا را کنترل کنند. من معتقد هستم که خیلی از دستگاه های اجرایی اول اینکه خود این قانون و یا خیلی از قانون های دیگر را نمی دانند و دوم اینکه هیچ گونه گردش ارزش کاری نوشته شده است تا آن هدف محقق شود لذا این دستگاه های اجرایی نمی دانند چه کار بکنند.

اقتصاد انرژی:

ولی شما می دانید تورم در ایران دو رقمی و حدود ۱۵ و ۱۶ درصد در سال است. در حالیکه در کشورهای صنعتی این رقم ۱ تا ۲ درصد بیشتر نیست لذا در نظر گرفتن ۲۰ درصد ممکن است برای امسال خوب باشد ولی سال دیگر باز هم تورم در کشور در همین حدود بالا می رود و این ۲۰ درصد را می پوشاند. بنابراین منظور کردن عدد ثابت چاره ساز نیست بلکه باید سالی که دلار تک نرخ شد (۸۰۰ تومان) به عنوان سال پایه در نظر گرفت و سال های بعد پیشنهادات شرکت های ایرانی براساس شاخصی که از نسبت تورم در کشور با دیگر کشورها بدست می آید ارزیابی گردند. توجیه شما چیست؟ ولی شما می دانید تورم در ایران رقمی حدود ۱۵ و ۱۶ درصد در سال و در فرانسه ۱ تا ۲ درصد است. در نظر گرفتن ۲۰ درصد ممکن است امسال خوب باشد ولی ۲۰ درصد سال دیگر باز هم تورم در ایران بالا می آید و این ۲۰ درصد را می پوشاند. بنابراین منظور کردن عدد زیاد چاره کار نیست بلکه باید یک سال مثلاً سالی که دلار ۸۰۰ تومان باشد به عنوان سال پایه در نظر گرفته شود و تورم در ایران و تورم خارج از کشور اندازه گیری شود و شاخص تعیین شود و از آن زمان براساس شاخص این رقم را هر سال تعیین کنند. توجیه شما چیست؟

مهندس حسینی:

اول اجازه بدهیم که این طرح با همین ۲۰ درصد به گردش بیفتد. بعد بگویم کم است بکنید ۳۰ درصد و غیره و در حقیقت اجازه بدهیم زمینه یکبار اجرایش فراهم شود. آن دسته از کارآفرینانی که ذی نفعان قانون هستند باید به دنبال اجرای بهینه قانون بروند و در این مورد دقت و انرژی گذاشته و هزینه آن را نیز پرداخت کنند.

مهندس وقایع نگار:

با توجه به روح قانون حداکثر که محور و استراتژی آن این است که کار را به پیمانکار طراحی و ساخت ایرانی بدهند و از این منظر ساخت داخل به صورت ثانوی رشد پیدا خواهد کرد و در مجموع پیمانکاران طراحی و ساخت ایرانی

برای صادرات خدمات فنی آماده شوند. با توجه به این که اخیراً برخی از شرکت های خارجی در ایران نام خودشان را به ثبت رسانده اند و حتی برخی با همان نام خارجی به ثبت رسیده اند آیا از نقطه نظر قانون این شرکت ها استحقاق دارند که مشمول قانون بشوند یا خیر؟

مهندس حسینی:

ماده ۸۱ قانون اساسی صراحت دارد به اینکه اعطای امتیاز تشکیل شرکت به خارجی ها برای فعالیت در کارهای تجاری، صنعتی، کشاورزی و غیره ممنوع است. توجه داشته باشید که دو ارگان در این مملکت وجود دارند که می توانند این قانون را لغو کنند یکی شورای نگهبان است. من تا حالا هیچ تفسیری در مورد ماده ۸۱ قانون اساسی از شورای نگهبان ندیده ام. دوم مجمع تشخیص مصلحت نظام است که حق دارد قانونی را تغییر بدهد. براساس بررسی های انجام شده حتی از مجمع تشخیص مصلحت نظام هم اصلاحیه یا تغییری در رابطه با ماده ۸۱ قانون اساسی منتشر نشده است.

بند در جلسات صدور گواهی صلاحیت برنامه و بودجه راجع به پیمانکاران طراحی ساخت هم حضور دارم. بعضی از این شرکت ها که شما مطرح می کنید، درخواست کرده بودند که به ما گواهی صلاحیت بدهید چراکه ما شرکت ایرانی هستیم. ما این بحث را مطرح کردیم که اصولاً ما به چه شرکتی ایرانی می گوئیم و به چه شرکتی خارجی می گوئیم. ما می گوئیم اگر شرکتی بالای ۵۱ درصد از سهامدارانش ایرانی بودند و در ایران و تحت قوانین ایرانی به ثبت رسیده باشد ما این شرکت را ایرانی می گوئیم. اگر شرکتی به صورت مشارکت ایرانی و خارجی بخواهد گواهی صلاحیت بگیرد، باید حتماً دو شخصیت حقوقی باشند که این دو شخصیت حقوقی ۵۱ درصد سهم متعلق به شخصیت حقوقی ایرانی باشد و ۴۹ درصد متعلق به شخصیت حقوقی خارجی باشد؛ آن زمان ما این مجموعه را قابل بررسی می دانیم. آنها معترض شدند حتی حقوقدان آوردند و بحث به این جا کشید که اگر شرکت در منطقه آزاد به ثبت رسیده بود چگونه؟ چون بعضی از این شرکت ها در منطقه آزاد به ثبت رسیده اند. در نهایت قرار شد که سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به امور حقوقی ریاست جمهوری یک نامه بنویسد و آنها اعلان نظر کنند و این موضوع مورد سؤال شما یک چنین فرآیندی را طی کرده است و اکنون منتظر پاسخ امور حقوقی ریاست جمهوری هستیم.

اقتصاد انرژی:

در اینجا دو نکته مطرح می شود اول اینکه قانون حداکثر تصریح می کند که کار بایستی به شرکت ایرانی داده شود و در شرایط استثنائی ۵۱ درصد به مشارکت ایرانی و ۴۹ درصد به بخش خارجی واگذار شود. این نسبت نباید دائمی باشد بلکه باید زمینه رشد شرکت های ایرانی فراهم شود و هر سال سهم شرکت های ایرانی افزایش یابد و سهم خارجیان کمتر شود تا اینکه طی زمان معقولی کار منحصراً به شرکت های ایرانی احاله گردد و در صورت نیاز از شرکت های خارجی کمک گرفته شود. اکنون حدود ۸ سال از عمر این قانون می گذرد طی این مدت مسئولین برای آماده سازی شرکت های ایرانی چه اقدامی کرده اند؟ مسأله دوم حدود نظارت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در اجرای قانون است. سازمان مدیریت در این زمینه چه کار کرده است؟

مهندس مرادخانی:

اولاً خیلی خوشحال هستم که اینگونه جلسات برگزار می شود ما خودمان را به عنوان یکی از موافقین قانون حداکثر می دانیم و در تدوین قانون و در دستورالعمل های نظارتی آن نقش داشتیم علاوه بر آن با توجه به وجود حجم عظیمی از اقدامات کارهای انجام شده در ایران بخصوص در بخش پیمانکاری سازمان، کتابی در ارتباط با تجهیزات صنعتی سازندگان منتشر کرد که به دلایلی ادامه پیدا نکرد اما اخیراً قراردادی با انجمن سازندگان تجهیزات صنعت ایران منعقد کرده ایم تا خودشان بروند یک آیین نامه تشخیص صلاحیت سازندگان را بنویسند و با مشارکت سازندگان این قضیه را ادامه بدهند که دلایلی هم برای این کار داریم. ما در بخش عمران رشد بسیار خوبی داشتیم، ما معتقدیم ارجاع کار اسم اصلی این قانون است. هر قانونی یک ضمانت اجرایی باید داشته باشد اگر قانون نوشته شود ولی ضمانت اجرایی در آن قانون دیده نشود خود بخود آن را کمرنگ و بلااثر می کند. سازمان مدیریت هم سال هاست که ضابطه و معیار دستورالعمل در همه بخش های عمران می دهد. چرا؟ از این رو که ضمانت اجرایی بسیار قوی برای طرح های عمرانی و طرح های تملک،

دارایی های سرمایه ای مانند ماده ۲۲ قانون برنامه و بودجه دارد. به عنوان مثال ماده ۲۳ تشخیص صلاحیت را به عهده سازمان گذاشته است که این خود نقطه قوی و نقطه کنترلی است که ارجاع کار پروژه های عمرانی را تحت نظارت و کنترل سازمان مدیریت قرار داده است ولی در این قانون حداکثر ردپایی از نظارت گذاشته نشده است. ما در ضوابط و مقررات یک قوانین عام و یک قوانین خاص داریم. قانون اساسی بالاترین قانون است و بعد از آن به ترتیب اهمیت قوانینی که مجلس تصویب می کند، قوانین عمرانی پنج ساله،

قانون بودجه، آیین نامه مصوب دولت، بخش نامه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و سپس بخش نامه وزارتخانه ها قرار می گیرند. به اعتقاد ما نظارت بر قانون حداکثر در قانون شاید دیده نشده است که اگر این نظارت دیده شد قطعاً یکی از نقاط کنترلی بود که می توانست حسن اجرای این قانون را در پی داشته باشد. ولی اعتقاد بر این است که نه تنها این ۴۹ و ۵۱ درصد تکان خورده حتی در زمینه های صنعتی ما در بعضی مواقع ۱۰۰ درصد هم داریم، مؤید این مطلب این است که پیمانکار ایرانی در خارج از کشور کار می گیرد. ما پروژه نیروگاهی در لبنان گرفته ایم، در سوریه سد می سازیم و یا در کشورهای حوزه خلیج فارس پروژه های عمرانی داریم و در عمان یا زیمبسن آلمان رقابت می کنیم. اما چرا در داخل موفق نیستیم؟ به خاطر اینکه کنترل های لازم در این قانون پیش بینی نشده است. در

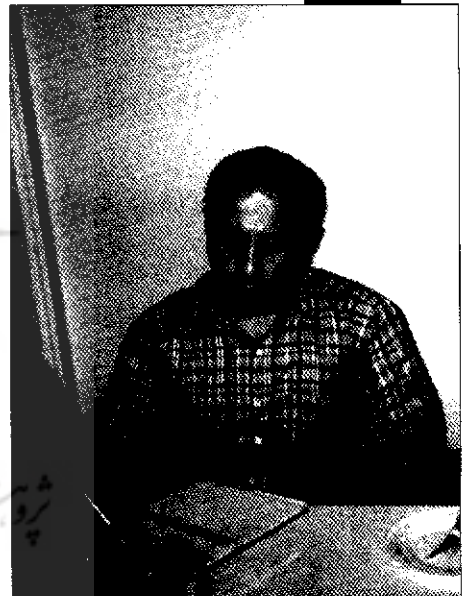
مصوبه شورای اقتصاد می نویسند با رعایت قانون حداکثر، اما ضمانتی ندارد. به طور مثال در پروژه های مالی، صلاحیت کسی که می خواهد کار را انجام دهد، موضوع قرارداد ضوابط و معیارها، صحت روش اجرای کار و غیره بررسی می شود. شاید اگر بگوییم برای این قانون هم یک همچنین ابزار کنترلی پیش بینی کنیم بگویند شما بروکراسی را زیاد کرده اید ولی شاید بعضی جاها هم باید بروکراسی را هم بپذیریم. به هر حال اسناد و مدارک بروکراسی است ولی هیچ جای دنیا نمی گویند اسناد و مدارک نیستند. بحث های سیستم های مدیریت و کیفیت یکی از فرآیندهایشان مستندسازی است. آیا مستندسازی معادل بروکراسی است. در ماده ۳۱ قانون برنامه چهارم بحث نظام فنی و اجرایی به صورت فراگیر دیده شده که این برای اولین بار است که نظام فنی و اجرایی در سطح قانون می آید. چون نظام فنی و اجرایی طرح های عمرانی را داریم که حاکم و ناظر بر طرح های عمرانی است. ولی بحث نظام فنی و اجرایی کشور نظام فراگیر است و ارتباطی به طرح های تملک دارایی و سرمایه ای هم ندارد. یعنی می تواند همه موارد قانون حداکثر را شامل شود حتی وزارت نفت را هم شامل شود آنچه که به مجلس رفته است این است. حالا اگر در تدوین نظام فنی اجرایی کشور بتوان این رد پا را گذاشت می توان نقاط کنترلی را تا مقداری محکم تر کرد. یک سری گلوگاه را ایجاد کرد که بر کار دستگاه های اجرایی برای اجرای قانون حداکثر نظارت کند. ما اعتقاد داریم قانون حداکثر قانون خوبی است اما رعایت نشده است و یا اگر هم رعایت می شد بعضی جاها نقاط فرار دارد. به طور مثال، شما در هر پروژه ای بحث ساختمان سازی یا بحث اسکله دارید. به راحتی می آیند و می گویند ساختمان را ایرانی و تجهیزاتش را خارجی می سازد. اینها هم یک سری نقاط کور این قانون حداکثر است که باید جایی جلو آن را گرفت.

مهندس حسینی:

همان طور که گفته شد اجرای قانون حداکثر استفاده از..... برای مجری آن زحمت دارد، لذا طبیعی است که به دنبال فرار از این قانون باشند. بایستی با ارائه راهکار و پیگیری موضوع راه فرار از قانون گرفته شود، این یک کار فردی نیست بلکه کار گروهی است که مرتب راه های فرار از قانون را شناسایی کنند و نگذارند انجام شود. به طور مثال بعضی ها پروژه را خرد می کنند و بعد قیمت های آن را جداگانه قرارداد می بندند که نتوانید بگویید این پروژه است. ما در بخش ارجاع کار برای جلوگیری از این موضوع یک تعریف گذاشتم. طبق این تعریف، ارجاع کار عبارت است از واگذاری مسئولیت انجام فعالیت های مختلف پروژه به صورت منفرد و توأم چند فعالیت طی هر قرارداد از طریق مناقصه یا استعلام یا ترک تشریفات مناقصه است. واقعاً این کارها به یک گروه احتیاج دارد که مرتب نحوه اجرای قانون را تعقیب و مراقبت کند.

اقتصاد انرژی:

آقای اردشیریان همان طور که ملاحظه می شود بیشترین منافع شرکت های طراحی و مهندسی در قانون حداکثر متبلور است. و همان طور که اشاره شد در این قانون نقاط کوری وجود دارد. در حال حاضر قانون برنامه پنج ساله چهارم مطرح است به نظر می رسد این علاقمندی در نمایندگان محترم مجلس (که جایشان در این میزگرد خالی است و از آنان دعوت شده بود که تشریف بیاورند) وجود دارد تا کار کارشناسی در این مورد



انجام دهند. آیا مناسب میدانید که شما و سازندگان تجهیزات و شرکت های پیمانکاری یک کارگروه تشکیل دهید و روی نقاط کوری که آقای حسینی به بخشی از آن اشاره کردند، کار کنند و نتیجه را به مجلس منعکس نمایند و با تعامل با آنها سعی کنید که این مشکل رفع شود.

مهندس اردشیریان:

من فکر می کنم اجرای این قانون و نظارت مستمرش نیازمند یک تفکر و به قول آقای حسینی تعقیب و مراقبت دائم و تهیه یک برنامه با کیفیت دارد. به عبارت دیگر به حرکت های پویایی احتیاج دارد و نمی توان صرفاً گفت که یکبار قانون نوشته شده است و لذا ما مشکل نخواهیم داشت. به نظر من این قانون اهداف والایی دارد اما هر روز این قانون مواجه با یک قانون ستیزی از سوی عده ای است و متأسفانه هنوز بعد از ۸ سال عده ای با آن آشنا نیستند و همان طوری که آقای حسینی گفتند و با آمار می که گرفتند نشان می دهد که آشنایی با این قانون نیز جالب نیست. و عده ای هم به خاطر مسائلی که وجود دارد در مقابل آن ترفند می گذارند. پس اگر ما این گذشته ۸ ساله را مورد توجه قرار دهیم، مشاهده می کنیم که در مقابل این قانون یک سری عواملی وجود دارند که می آیند و این قانون را تضعیف و کم رنگ می کنند. روزی بود که می گفتند ایرانی نمی تواند کاری انجام دهد. می گفتند اصلاً این کارها از ایرانی بعید است در حالی که ایرانی ثابت کرد یک کارهایی را از نظر فنی می تواند انجام دهد. گفتند ایرانی مدیریتش ضعیف است و یک پروژه ای را آوردند و دیدند که ایرانی مدیریت هم می کند. گفتند ایرانی در صحنه بین المللی نمی تواند برود و بعد دیدند که در صحنه بین المللی هم رفت. پس ایرانی چه مشکلی دارد؟ آخرین چیزی که این روزها مطرح می کنند می گویند ایرانی وضع مالی اش خوب نیست و پول ندارد شما ببینید در هر لحظه و در هر مرحله زمانی یک عاملی جلوی این قانون می آید و با این قانون ستیز می کند و این ستیزه گری ادامه دارد و من می خواهم عرض کنم که به هر دلیل واقعاً این ستیزه گری ادامه دارد به این مساله باید به صورت خیلی جامع نگاه کنیم. زیرساخت های این قانون باید مرتب مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد تا این قانون پویا بماند. به نظر من در حال حاضر این کار در سطح مملکتی نشده است. شرکت طراحی، مهندسی در این زمینه به عنوان کارآفرین مطرح می شوند و هدف این است که اگر خود کارآفرینی در ایران تقویت شود به دنبال آن توسعه نیروی انسانی خواهد آمد به همین منظور فلسفه ارجاع کار یعنی عملاً ایجاد کارآفرینی در ایران. و ما باید بحثمان را صرف نظر از اینکه قانون می خواهد فقط اجرا شود به سمت اهداف قانون یعنی رشد نیروی انسانی، افزایش کارآفرینی و افزایش صادرات ببریم. اگر این سه عامل را در قانون برنامه چهارم مطرح کنیم بالطبع این قانون که ریشه اش ایجاد شده است به سمت این اهداف می رود و بنابراین نباید فقط صرف اجرای قانون را مدنظر قرار دهیم بلکه باید از این دیدگاه هم مساله را مورد بررسی قرار دهیم.

مهندس وقایع نگار:

بنده ضمن تأیید سخنان آقای مهندس اردشیریان، معتقدم به اینکه مدام با این قانون ستیز می کنند، شاید خیلی از نظر روحیه خوب نباشد. من می خواهم توجه شما را به این نکته جلب کنم که از زمانی که این قانون آمده است نه تنها به تدریج از بین نرفته است بلکه به تدریج رشد کرده است و این نشان دهنده یک

موضوع اساسی است و آن این است که این قانون در زمان و محل خوبی اعلام شده است و به همین خاطر هم رشد می کند. البته این به این معنی نیست که ما را کنار کنیم و بگویم دارد رشد می کند بلکه همین کاری را که آقای حسینی و آقای اردشیریان گفتند را باید انجام دهیم و حتماً این راه را ادامه دهیم اما قانون، قانونی است که از نظر روح اجتماعی و مناسبات اجتماعی بسیار مثبت و جا افتاده است.

مهندس حسینی:

نکته ای که می خواهم اضافه کنم این است که گروهی که می خواهید برنامه کیفیت را بنویسند باید یک گروه بسیار هوشیار باشند. چراکه طبق قانون، قانون مؤخر بر قانون قبلی مقدم است و از طرفی قانون بودجه سال به سال است و لذا کافی است که در قانون بودجه یکی مراقبت نکند و چیزی را بنویسد که ریشه این قانون زده شود ما هر ساله مراقبت می کردیم تا در قانون بودجه بیاوریم که این کارها باید با رعایت این قانون باشد و مدام آن را مراقبت کنیم و زنده اش نگه داریم.

شما شرکت های طراحی و مهندسی که ذی نفع هستید این تفکر را داشته باشید که وقتی قانون برنامه و بودجه سالیانه را می نویسند باید در برنامه و بودجه حضور داشته باشید، در کمیسیون مجلس حضور داشته باشید که مبادا این قانون را نقض و یا حتی سکوت کنند چراکه در بعضی مواقع ممکن است که سکوت کافی باشد هزاران مشکل بوجود آید. همواره باید در متن قانون بودجه و قانون برنامه تأکید شود که قانون حداکثر به روز و زنده و پایدار و لازم الاجراست. در زمانی که بنده در سازمان مدیریت و برنامه ریزی شاغل بودم یک تیمی بودیم که با یک اعتقاد به جاهای مختلف می رفتیم و این مراقبت ها را می کردم منتهی بعد از این نمی دانم چه می خواهد بشود و این مراقبت ها را چه کسی قرار است انجام دهد. یک بند از قانون بودجه است که هر سال تکرار می شود و می گوید مناقصه های بالای یک میلیون دلار باید به صورت مناقصه بین المللی باشد و یا در صورت نیاز به تصویب شورای اقتصاد برسد. من می دانم که منظور قانونگذار چیست اما یک عده این مساله را با پروژه ها تفسیر کردند در حالی که ما در جزء قبلی بند مربوطه گفتیم که قانون حداکثر باید اجرا شود. این بند از قانون که می گوید باید مناقصه بین المللی برگزار شود، مربوط به خرید مثلا گندم، برنج، شکر و غیره است. ما کلی زحمت کشیدیم که بگوئیم آقا این بند، منظورش این گونه خریدهاست. و به پروژه ربطی ندارد آن بند قبلی به پروژه ربط دارد.

اقتصاد انرژی:

به نظر می رسد بخش بزرگی از کارآفرینان و کارفرمایان کشور یا از این قانون یا اصلاً اطلاع ندارند یا اطلاع آنها ناقص است. آقای وقایع نگار شما بعنوان یک صاحب نظر فکر می کنید برای شفاف سازی و آموزش این قانون در سطح کشور چه کاری باید انجام داد. تا زمانی که شرکت های طراحی مهندسی و سازندگان و پیمانکاران تصور کنند که مراعات قانون حداکثر عطیه و لطفی است که در حق آنها بعمل می آید، کمتر به سراغ گرفتن سهم و حق خود می روند در حالی که ضروری است این قانون بطور شفاف بیان شود و همه شرکت ها بدانند حقوقشان در ارتباط با این قانون چیست و چه امتیازاتی را برایشان مقرر کرده است. آیا تاکنون فعالیتی در این زمینه صورت گرفته است؟

مهندس وقایع نگار:

من فکر می‌کنم که اگر بخواهیم قانون را گسترش دهیم، این قضیه دو وجه دارد. یک وجه برمی‌گردد به کسانی که کار را ارجاع می‌دهند و وجه دیگر کسانی که کار را انجام می‌دهند. بدیهی است که اگر در اثر این قانون پروژه‌ای به کارآفرینی ارجاع شود و او قانون را نداند و یا کامل نداند و پروژه را براساس قانون اجرا نکند همان اندازه ضرر می‌زند که اگر ارجاع کار مطابق این قانون نباشد.

بنابراین لازم است که در هر دو سطح این فرهنگ‌سازی و تبیین قانون، صورت گیرد. البته واضح است که در مرتبه اول ظاهراً منتفع بلاواسطه اش کارآفرینان و یا طبق قانون پیمانکار طراحی و ساخت هستند، که به این کار فرهنگی و کار تخصصی دست بزنند.

به نظر بنده کارآفرینان و پیمانکاران طراحی ساخت این وظیفه را باید جزء وظیفه ملی خود بدانند و در اینجا منافع فردی با منافع مملکتی هم راستا است. به طور قطع اگر مملکت در اثر انجام این کارها ثروتمند شود منافع آن به همه و به خصوص به آن کسی که کارآفرینی کرده است، می‌رسد. بنابراین انجام این موضوع به طور قطع لازم و حتمی است ولی اینکه ما چگونه انجام دهیم جای سؤال دارد. ما انجمن‌های مختلفی در کشور داریم که این انجمن‌ها به کمک یک شورای هماهنگی و علاوه بر آن با سازمان برنامه نیز در تعامل هستند. و در حال حاضر مسائل متعددی را مطرح کرده‌اند. اما یک اشکال در این قضیه هست که باید روی آن بیشتر بحث کنیم: اصولاً موارد زیادی از این دست در کشور تهیه و تولید می‌شود حتی در روزنامه‌ها هم چاپ می‌شود و به مسئولین امر نیز داده می‌شود ولی خیلی دیر به نتیجه می‌رسد. مطالبی هم که آقای حسینی راجع به تهیه برنامه کیفیت می‌فرمایند، آن هم داخل همین مقوله است. بهتر است قبل از اینکه به مساله فرهنگ‌سازی بپردازیم، با یکدیگر تبادل نظر و همفکری کنیم و ببینیم چگونه این کار را انجام دهیم که به نتیجه برسد. یک مثال در مورد زلزله بزنم. قضیه زلزله را خیلی از روشنفکران و مهندسين مملکت بررسی کرده و قوانین مربوطه را وضع کرده‌اند ولی باز می‌بینم هنوز در مملکت دچار اشکال هستیم و وقتی که زلزله می‌آید باز می‌گویند بیایم قانون بگذاریم و نقشه بکشیم.

بنابراین در مورد زلزله که یک بلیه آسمانی است و همه به آنها معترف هستند، یک کار اساسی و پیگیری لازم که به نتیجه برسد، انجام نمی‌شود. من در این قضیه که باید به قول آقای مهندس حسینی، به صورت مستمر کار را پیگیری کرد شک می‌دارم ولی بد نیست یک نظامی هم پیدا کنیم که به کمک آن متوجه شویم چگونه یک مساله را عنوان کنیم، که به دل بنشیند و اثر بخشد. ببخشید که سؤال شما را با یک سؤال دیگر قرینه کردم.

اقتصاد انرژی:

در این جلسه آقای حسینی اشارات فراوانی داشتند که تدوین یک برنامه کیفیت لازم است که این مراقبت دائم را یک گروهی انجام دهند ولی ابعاد مسئله به قدری وسیع و بزرگ است که شاید از عهده یک گروه خارج باشد. به هر حال یک بخش بزرگی از منافع شرکت‌های طراحی، مهندسی، سازندگان تجهیزات و پیمانکاران در گرو خوب اجرا شدن و موفق شدن این قانون است. آقای مهندس جوادی به نظر شما چه کاری باید

انجام شود تا این مراقبت دائم صورت پذیرد و شاهد لغزش‌ها و نوسانات در اجرای آن نباشیم.

مهندس جوادی:

این مسئله چند بار در انجمن مطرح شده است و نهایتاً به این نتیجه رسیدیم که تک تک شرکت‌ها می‌توانند دنبال این کار بروند و علاوه بر آن باید مجموعه انجمن نیز این کار را بکنند. به همین دلیل قرار شد افرادی از انجمن معرفی و یک گروه درست بکنند که به اتفاق این کار را انجام دهند که آن هم عملی نشد و دلیل عمده آن این بود، کسانی که درک عمیق از این مساله داشته باشند در شرکت‌های ما به اندازه کافی وجود نداشت.

خوشبختانه، اکنون با نتیجه‌ای که از صحبت‌های دو جلسه انجمن گرفته‌ایم، قرار شد از کارشناسان دخیل در این موضوع که امروزه دیگر در مجموعه دولت قرار ندارند و می‌توانند خدمات مشاوره‌ای ارائه دهند استفاده کنیم تا بتوانیم با کمک آنهایی که اولاً قانون را خوب می‌شناسند و ثانیاً با مراجعی که باید به آنها مراجعه شود به خوبی آشنایی دارند، اقدامات لازم در مورد به کارگیری بهینه این قانون را انجام دهیم. و برای این کار پشتوانه‌های مالی لازم نیز تدارک دیده خواهد شد.

اقتصاد انرژی:

همان‌طور که گفته شد قانون حداکثر دو طرف دارد یکی کارآفرینان و دیگری حاکمیت و صاحبان کار. بنظر می‌رسد مناسب است نماینده محترم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی توضیح دهند که با توجه به اینکه طی اینمدت نقاط قدرت و ضعف قانون تاحدی روشن شد و در شرایطی که قانون برنامه پنج ساله چهارم در مجلس مطرح است و علاوه بر آن علاقمندان جلوگیری از اجرای قانون تقریباً دست به یکی شده‌اند تا فضا را به نفع شرکت‌های خارجی تغییر دهند و با چراغ سبز آنها این شرکت‌ها در ایران خود را با نام شرکت‌های ایرانی ثبت می‌کنند تا از شمول قانون مستثنی شوند، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای مقابله با این ترفند چه برنامه‌ای دارد و چه کار می‌خواهد بکند؟

مهندس مرادخانی:

همان‌طور که آقای وقایع نگار نیز فرمودند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تعاملات خوبی را با شورای هماهنگی انجمن‌ها ایجاد کرده و قرار شده که با همکاری آن شورا روی نظام فنی و اجرایی کشور کار شود فکر می‌کنم که بتوان در تدوین نظام فنی و اجرایی کشور که برای اولین بار صورت می‌گیرد و در قوانین مهم کشور جای خودش را باز کرده و به مجلس ارائه شده، خلاءهای اجرایی این قانون را پرکرد و برنامه‌ی کیفیتی که جناب آقای حسینی فرمودند را به نوعی در آن دید یا حداقل ردپای در آن گذاشت که البته باید روی آن کار شود. اما متأسفانه در حال حاضر یک چیز تدوین شده‌ای در این زمینه وجود ندارد ولی بسترش کاملاً فراهم است که این نظام فنی و اجرایی کشور را طوری تدوین کنیم که تمامی پروژه‌ها را در بر بگیرد و در ضمن دارای نقاط کنترل هم باشد. امیدواریم ضمانت اجرایی این قانون را هم بتوانیم در این نظام فنی و اجرایی کشور که باید وزارت نفت و شرکت‌های تابعه هم شامل آن باشند، ببینیم. من فکر می‌کنم با یک تعامل خوب می‌توانیم روی این قضیه به طور کامل کار کنیم و با کمک این شورای هماهنگی برای نظام فنی یک سری محورها را تدوین و به سازمان داده شود.